

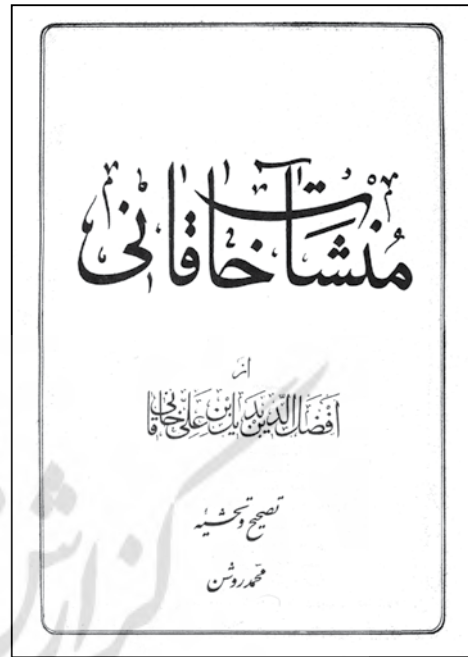
تصحیح تحریفی از منشآت خاقانی

سعید مهدوی فر*

زیادی است. این اهمیّت عمدتاً به سه جهت است: اول آن که بسیاری از آگاهی‌های دست‌اول در باب سرگذشت پر رمز و راز خاقانی در آشکار و نهان این اثر به ثبت رسیده است. دوم این که منشآت از منظر ادبی و هنر نویسندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اثبات این رأی همین بس که خاقانی در نامه‌ای که صریحاً از طریق غریب خود سخن می‌گوید، این طریق را به قصاید و رسائل خود محدود می‌سازد: چون الفاظ از کثرت استعمال دست‌زده و پای مال شده‌است، حقیقت است که اصحاب خواطر لامعه و قریحه ناصعه به هر عهد، دست تصرف در الفاظ خاص بریزند، و آن را چندان در قوانین کتابت به کار دارند که معهود و مألوف شود. و اگر بدل نقیر و قطمیر، فتیل و فسیط، که هم از دانه خرما باشد، در عبارت آورند چه عجب؟ و به عوض عَجْر و بُجْر، صفاق و مراق، که هم بدان معنی نسبت دارد، مثل سازند چه زیان؟ و من کهنتر نمی‌گویم که آن الفاظ امثال را بکلی قذف و حذف کنند، و در سلک مقالات و سبک رسالات، و نسج منثورات و حوک منظومات به کار ندارند؛ اما غرض آن است که مستعملات بیشتر حشو و ناقص می‌نماید... و غایت شعوه‌ذ خاطر آن است که مصنوع را مطبوع نمایند، و الفاظ دور از طبع را به قبول و اسماع طابع نزدیک گردانند؛ چنانکه مراسم در رسایل و قصاید».

(خاقانی شروانی، ۱۳۸۴: ۱۷۴ و ۱۷۵)^۲

سوم آنکه منشآت در شرح و تصحیح دیوان و ختم‌الغرایب خاقانی یاریگری بس توانا است. نگارنده این سطور در جریان تصحیح قصاید خاقانی — که از قضا در ابتدای راه است —



۱. درآمد

منشآت خاقانی مجموعه‌ای از نامه‌های افضل‌الدین بدیل خاقانی شروانی است که سال‌هاست به همت متن‌شناس ارجمند، آقای محمد روشن، در دسترس محققان قرار گرفته است. این تصحیح بی شک یکی از خدمات فرهنگی سترگ آقای روشن به ادب پارسی است. در باب کیفیت کار ایشان باید با غفار کندلی هم‌سخن شد و گفت که منشآت خاقانی در چاپ محمد روشن از حیث دقیق و کامل بودن، ممتاز است (کندلی هریسچی، ۱۳۷۲: ۵۶۴).^۱

منشآت در گستره خاقانی‌شناسی دارای اهمیّت بسیار

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. پست الکترونیک: mahdavifar@yahoo.com

۱. «منشآت خاقانی» در اصل پایان‌نامه محمد روشن بوده که به راهنمایی زنده‌یاد، دکتر حسین خطیبی در سال ۱۳۳۷ به فرجام رسیده است.
 ۲. هم از این‌روی باید سخن صاحب مرزبان‌نامه را بحق بدانیم: «و نوعی دیگر [از رسائل] اگرچه از رسوم دبیران بیرون است، چون نثفات سحر کلام و مجاجات اقلام امیر خاقانی — که خاقان بود بر خیل فصحای اهل زمانه — و در آن میدان که او سه طفل بنان را بر نی‌پاره سوار کردی، قصب‌السبق براءت از همه بربودی و گرد گام زرده کلکش اوهام سابقان حلبة دعوی نشکافتی» (وراوینی، مرزبان‌نامه: ۸ و ۹)

آورده و دور نیست که خاقانی از او گرفته باشد:
بر دو رخ زلفها گوا دارند
که نیند آدمی پری مارند

(سنایی غزنوی، حدیقه: ۳۵۷)

در دارابنامه طرسوسی این ترکیب به صورت «مارپری» آمده است:

طروسوسیه پای بر پشت ایشان نهاد و آن دو پری رفتند تا
به سر آن کوه. یکی از آن دیوان مر طروسوسیه را بدید که
با آن دو مار می رفتند. برفت و آن دیگران را خبر کرد که
آن دو پری یکی آدمی را می بردند. بیایید آن دو پری را
بکشیم، آن آدمی را از ایشان بستانیم و هلاک کنیم. پس
دیوان جمله شدند و مهتر ایشان آن بود که همچو ازدها
می نمود؛ آن ازدها غضبناک شد و گفت: می دانید که فرزند
شما را که کشته است؟ طروسوسیه گفت آن دو «مارپری» را
که بنگرید. آن ماران چو این سخن بشنوند، نگاه کردند و
بدانستند که این لشکر دیوان است...

(طرسوسی، دارابنامه: ۱۵۰).

مراد خاقانی و سنایی از «پری مار» دقیقاً مشخص نیست. تا
آنجا که جست و جو شد، لغت نویسان توضیحی در باب این تعبیر
نداده اند. سجّادی در فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی
ضمن اشاره به بیت سنایی در باب «پری مار» می نویسد:

این ترکیب به همین شکل در نسخه های قدیمی آمده و
چنین برمی آید که به معنی عروسکی است که فقط چشم
و ابرو و گیسو دارد و بقیه بدن او به شکل مار یا بدون دست
و پا است (ظاهراً به شکل پری دریایی که در افسانه آمده)
و فعلاً جز این به نظر نمی رسد. و شاید عروسک پری مار،
صورت و چشم و گوش و گیسوی تافته و مارمانند داشته
باشد، اما از ترکیب پری مار شکل تمام عروسک به نظر
می آید و صحیح تر است. سنایی با یک بیت فاصله از بیت
یادشده گفته است:

مار با گیسوند مشتی تر
زهر در یشک و مهره نی در سر

(سجّادی، ۱۳۸۲: ذیل «پری مار»)

بارها بر پایه منشآت به ضبطهای اصیلی از متن مذکور رسیده،
همچنان که در کار وزین آقای صفری آق قلعه نیز این مهم
نمایان است.

۲. بحث

و اما محور اصلی سخن ما در این جستار تصحیح تعبیری است
که در نسخه های منشآت مورد استفاده آقای روشن به نادرست
ضبط شده است.

خاقانی در نامه ای که به سیف الدین دارای در بند نوشته از
بخشیدن خانه و درم خریدی به خویش یاد می کند و به توصیف
هریک می پردازد. در ضمن وصف کنیز زیبارو می گوید:

ازین زیجی، بازیچه نمایی، نارنج صفایی، میگون لبی؛ ازین
شوخ شاخ ناشکسته، نقاب بر بسته؛ ازین لشکر شکنی،
سلطان فگنی، زهره صفتی، هاروت صنعتی، چون پری
ناز گیسوان مشکین گشاده فرو گذاشته؛ چون کرم پيله
چشمها سرمه کرده [است].

ترکیب مورد نظر ما «پری ناز» است که صورت اصیل و درست
آن باید «پری مار» باشد. به احتمال فراوان ناسخان به جهت
غرابت این ترکیب آن را به «پری ناز» تحریف کرده اند. این
تعبیر با همان اشاره به گیسوی آن در دو موضع از دیوان
خاقانی نیز آمده است:

دیوانه شوم چون تو پری وار نمایی
در سلسله زلف پری مار نمایی

(خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۶۹۶)

چه بینی از عروسان پری مار
که آلا گوش و گیسویی ندارد

(همان: ۷۶۱)

بیت آغازی در دیوان مصحح عبدالرسولی نیامده و بیت دوم به
صورت نادرست «بربری ناز» ضبط شده است (خاقانی شروانی،
۱۳۱۶: ۷۷۳)؛ کز آزی بیت دوم را درست ضبط کرده اما بیت
اول را نادرست خوانده است: «در سلسله زلف پری، مار نمایی»
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۵: ۸۳۹).

گویا اولین بار ترکیب «پری مار» را سنایی در حدیقه الحقیقه

۳. ابیات زیر نیز خالی از اشاره ای مضمّر به پری مار نیست:

پری را ماند آن بی شرم اگر نی / ز مردم، مردم آزاری نیاید // تو یاری از حریفان تا نجویی / کز ایشان خود به جز ماری نیاید (خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۶۰۵)؛
نک: گلی و صادقی نژاد، ۱۳۸۹: ۵۶.

۴. نیز نک: گلی و صادقی نژاد، ۱۳۸۹: ۵۹.



احمد گلی و رامین صادقی نژاد در جستاری که به بررسی «پری مار» در منابع یادشده پرداخته، گرچه دقیقاً مقصود خاقانی و سنایی را از این تعبیر مشخص نکرده‌اند، ولی نگاهی اسطوره‌شناختی به موضوع — بویژه بیت حدیقه و ابیات پس و پیش آن — داشته‌اند:

شهوَت از جانت پاره باز کند
بر تو کار بتان دراز کند
گرچه از چهره عالم افروزند
از شره دل درند و جان دوزند
همه در بند کام خویش‌تند
که ز حورا شرف همان دارند
عاشقان پیششان همه شمنند
از پی دودی روان‌ها را
چشمشان رخنه کرده جان‌ها را
ببرند ابروی دولت جم
زان دو زلف و دو ابروی پرخم
بر دو رخ زلف‌ها گوا دارند
که نیند آدمی پری‌مارند
همه دیواند و ظن چنان دارند
مار با گیسوند مشتی تر
زهر در یشک و مهره نی در سر
کرده از قفل زلف مرغولان
بهر دولی و فتنه دولان

(سنایی غزنوی، حدیقه: ۳۵۷)

باور این پژوهشگران بر این است که با توجه به اسطوره جم باید گفت آن پری‌ای که جمشید با او می‌خوابد، به تصریح سنایی، همان «پری مار» است. این ماده‌دیو یا پری با وسوسه جم و آمیزش با او، باعث از بین رفتن دولت جم می‌شود و فرّ از جم می‌گسلد. ایشان می‌افزایند که از نظر زمانی اسطوره ادبی «پری مار» با اسطوره «دهاک» در اساطیر ایران، قابل تطبیق است. همچنین از آنجا که همانندی‌هایی بین اسطوره دهاک (ضحاک) و «گرگن مدوزا» در اساطیر یونان وجود دارد،^۵

می‌توان پری مار را از مصادیق احیای اسطوره و یکی از اسطوره‌های ادبی در ابیات سنایی و خاقانی دانست (نک: گلی و صادقی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۹-۶۴).

منابع:

- خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم، ۱۳۱۶؛ دیوان، تصحیح علی عبدالرسولی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، ۱۳۸۷؛ تحفة‌العراقین (ختم‌الغرایب)، تصحیح علی صفری آق‌قلعه، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- _____، ۱۳۷۴؛ دیوان، تصحیح ضیاء‌الدین سجّادی، چاپ پنجم، تهران: زوّار.
- _____، ۱۳۷۵؛ دیوان، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- _____، ۱۳۸۴؛ منشآت خاقانی، تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- سجّادی، ضیاء‌الدین، ۱۳۸۲؛ فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی، چاپ دوم، تهران: زوّار.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح سید محمدتقی مدرّض رضوی، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- طرسوسی، ابوطاهر، دارابنامه، ج ۲. به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۴. [ج ۳].
- کندلی هریسچی، غفار، ۱۳۷۴؛ خاقانی شروانی: حیات، زمان و محیط او، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گلی، احمد و رامین صادقی نژاد، ۱۳۸۹؛ «پری مار: بازبایی یک اسطوره در ابیاتی از سنایی و خاقانی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۳، شماره مسلسل ۲۱۵، بهار تابستان، صص ۴۹-۶۴.
- وراوینی، سعیدالدین، مرزبان‌نامه، تصحیح محمد روشن، چاپ سوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶.

۵. گرگن نیز بر اثر گناهکاری، دچار نفرین «آتنا» (Atena) شده و به پیکر موجودی که مارهایی بر روی سر دارد، درمی‌آید. (نک: گلی و صادقی نژاد، ۱۳۸۹: ۶۰)